

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال چهاردهم ♦ شماره ۵۳ ♦ بهار ۱۴۰۳
صفحات: ۱۲۴-۱۰۷ ♦ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۳ ♦ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۱/۲۴



بررسی تطبیقی ساخت گنبد و بارگاه از منظر مذاهب اسلامی

مرتضی ابراهیم‌پور*

چکیده

ساخت گنبد و بارگاه از جمله مسائل مورد توجه مسلمانان، از صدر اسلام تا کنون، بوده است. وجود گنبد و بارگاه بر قبور انبیا، اولیا و بزرگان در طول تاریخ، گواه بر این مطلب است. این مسئله در میان مذاهب اسلامی بحث و بررسی شده است و نقاط اشتراک فراوان و اختلافات جزئی در نظرات آنان وجود دارد. در این تحقیق، با روش تطبیقی، دیدگاه مذاهب اسلامی درباره ساخت گنبد و بارگاه بر قبور بررسی شده است و این نتیجه یافت شد که مذاهب اسلامی، اعم از مذاهب اربعه اهل سنت و مذهب امامیه، ساخت گنبد و بارگاه را به صورت مطلق نهی نکرده‌اند و فقط در مسائلی، همچون گچ‌کاری و گل‌کاری، حکم به کراهت داده‌اند. حال آن‌که برخی از این مذاهب اسلامی، همچون امامیه و احناف، ساخت گنبد و بارگاه، برای انبیا و اولیا را نه تنها مکروه ندانسته‌اند، بلکه جایز و نیکو بیان کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: گنبد، بارگاه، مذاهب اسلامی، قبور، کراهت.

مقدمه

در جهان امروز، شاهد آن هستیم که جریان انحرافی تکفیری با نگاهی غلط به مسئله ساخت گنبد و بارگاه بر قبور، قائل به بدعت و حرمت این مسئله هستند و به بهانه دعوت به توحید، بسیاری از انبیه، زیارتگاه‌ها و آثار اسلامی که دارای قداست و هویت تمدنی مسلمانان بود را در تعدادی از کشورهای عربی و اسلامی تخریب و نابود کرده‌اند و در جهت مشروع‌سازی این جنایات، مذاهب اربعه اهل سنت را به عدم جواز و حرمت هرگونه ساخت گنبد و بارگاه بر قبور متهم می‌کنند و براین اساس معتقدند باید تمام گنبدها و بارگاه‌های بناشده بر قبور انبیا، اولیا و بزرگان را تخریب کنند و شاهد آن هستیم که طی سالیان گذشته، در کشورهای مختلف جهان اسلام، از قبیل عراق، سوریه، تونس و اردن، به این گفتار خود جامه عمل پوشانده‌اند و این بناها را تخریب کرده‌اند.

با توجه به این مقدمه، این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به سؤال ذیل است:

«آیا بنا به ادعای جریان تکفیر، مذاهب اسلامی هرگونه ساخت گنبد و بارگاه بر روی

قبور را حرام دانسته‌اند؟»

درحالی که دیدگاه اسلام و مذاهب اسلامی، به‌خصوص مذاهب اربعه اهل سنت، برخلاف این مسئله است و مذاهب اسلامی با تاسی از آیه ۳۲ سوره حج: ﴿وَمَنْ يُعْظِمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾، هرگونه ساخت گنبد و بارگاه بر قبور انبیا، اولیا و بزرگان را از مصادیق تعظیم شعائر الهی می‌دانند. از این جهت این مسئله از صدر اسلام تا کنون مورد توجه مسلمانان بوده است و وجود گنبد و بارگاه بر قبور بزرگان مذاهب اسلامی، نیز شاهد بر جواز این مطلب است.

پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از روش تحقیق تطبیقی، سعی داشته است که نگاهی دقیق به دیدگاه‌های مذاهب اسلامی نسبت به مسئله ساخت گنبد و بارگاه بر روی قبور داشته باشد و با ارائه نتایج کارآمد، به توسعه درک از آسیب‌شناسی و حل مسائل مرتبط با این موضوع در جوامع اسلامی کمک کند.

چهارچوب نظری این تحقیق بر پایه فقه و منابع اصیل مذاهب اسلامی استوار است.

تحقیق و تحلیل‌های پژوهشی در این زمینه، سابقه‌ای طولانی دارد و علما، اندیشمندان و پژوهشگران اسلامی کتاب‌هایی در مسئله ساخت گنبد، بارگاه و بنا بر قبور، به رشته تحریر در آورده‌اند که عموماً نگاهی کلی به این مبحث داشته‌اند و این جریان را در ذیل دیگر مباحثی، همچون زیارت قبور اولیا، بحث و بررسی کرده‌اند. مقالات نگاشته‌شده نیز هر یک با نگاهی جزئی‌تر، به یک موضوع خاص پرداخته‌اند و هیچ‌یک از این منابع به موضوع مقاله پیش رو به شکل تخصصی ورود نکرده‌اند و بعضاً اشاره‌ای به آن داشته‌اند. درحالی‌که پژوهش حاضر، به شکل تخصصی به مطالعه تطبیقی تحلیلی نظرات مذاهب مختلف اسلامی در مسئله ساخت گنبد و بارگاه می‌پردازد.

معناشناسی

بنای بر قبور به دلیل طرح مباحث فراوان فقهی، کلامی و تاریخی درباره آن، به یک اصطلاح بدل شده است. این اصطلاح شامل هر نوع ساخت‌وساز بر قبور، از جمله قُبّه (گنبد)، بقعه (بارگاه)، ضریح، مسجد و حتی به نظر برخی، قرار دادن سنگ در اطراف قبر، می‌شود.^۱ پس وقتی که سخن از ساخت گنبد و بارگاه به میان می‌آید، مصطلحات بیان‌شده را در بر می‌گیرد.

دیدگاه مذاهب اسلامی درباره ساخت گنبد و بارگاه

دیدگاه چهار مذهب معتبر اهل سنت در بحث ساخت گنبد و بارگاه از دیدگاه شیعه به دور نیست و تنها اختلاف در کلیت آن است. به طور کلی، مالکی‌ها، حنبلی‌ها و شافعی‌ها قائل به کراهت بنای بر قبر هستند، خواه این بنا گنبد باشد یا خانه یا هر چیز دیگر. حنفی‌ها گفته‌اند که اگر برای زینت باشد، حرام است؛ اما اگر برای محافظت باشد، کراهت دارد^۲ و سیره عملی پیشوایان و پیروان مذاهب اربعه اهل سنت خود روشن‌ترین دلیل بر این مدعاست و ساختن گنبد و بارگاه و بنای بر قبور را جایز می‌دانستند، چراکه قبور خود ائمه

۱. دمباطی، محمد شطا، حاشیة اعانة الطالبین، ج ۲، ص ۱۳۷.

۲. جمعی از نویسندگان، الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۳۲، ص ۲۵۰.

مذاهب اربعة اهل سنت نیز دارای قبه و بارگاه بوده است.

قبر ابوحنیفه (م ۱۵۰ق)، پیشوای حنفیان، در بغداد دارای گنبد و بارگاهی بوده است که در قرن چهارم و پنجم ساخته شده است.^۱ قبر مالک بن انس (م ۱۷۹ق)، پیشوای مالکی‌ها، نیز در بقیع دارای گنبد بوده است.^۲ در مصر، قبر محمد بن ادریس (م ۱۵۰ق)، پیشوای شافعی‌ها^۳ و در بغداد، قبر احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق)، پیشوای حنبلی‌ها، نیز دارای گنبد است و چندین مرتبه مرمت شده است.^۴ علاوه بر این، در طول تاریخ و از زمان صحابه تا کنون، بر بسیاری از قبور، گنبد و بارگاه بوده است و به غیر از وهابیت، هیچ‌یک از مذاهب اسلامی، ساخت گنبد و بارگاه را بدعت ندانسته‌اند و دستور تخریب گنبد و بارگاه را صادر نکرده‌اند.

در ادامه دیدگاه هریک از مذاهب اسلامی در موضوع ساخت گنبد و بارگاه بررسی می‌شود.

مذهب مالکی

مالکی‌ها قائل به کراهت گل‌کاری، گچ‌کاری و ساختن گنبد بر قبرها هستند و مالک ابن انس در این باره می‌گوید: «اكره تجصيص القبور والبناء عليها، وهذه الحجارة التي بيني عليها»؛^۵ «من از گچ‌بری قبرها، بنای روی آن و سنگ‌هایی که بر روی آن ساخته می‌شود، کراهت دارم.»

ابن رشد هم بنای بر قبر را مکروه می‌داند و در این باره می‌نویسد:

البناء على القبر على وجهين؛ أحدهما: البناء على نفس القبر، والثاني: البناء حوالبه؛ فأما البناء على نفس القبر، فمكروه بكل حال؛ وأما البناء حوالبه، فيكره ذلك في المقبرة من ناحية التضييق فيها على الناس، ولا بأس به في الأملاك؛^۶
... بنای بر خود قبر کراهت دارد، اما ساخت بنا در پیرامون قبر به دلیل اینکه مردم

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن، المنتظم في تاريخ الامم والملوك، ج ۱۶، ص ۱۰۰؛ ابن بطوطه، محمد، رحلة ابن بطوطه، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲. ابن جبیر، محمد، رحلة ابن جبیر، ص ۱۷۳؛ ابن بطوطه، محمد، رحلة ابن بطوطه، ج ۱، ص ۶۵.

۳. ابن بطوطه، محمد، رحلة ابن بطوطه، ج ۱، ص ۲۵.

۴. همان، ص ۱۷۳.

۵. اصبحی، مالک ابن انس، المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۱۸۹.

۶. قرطبی، محمد، البيان والتحصيل والشرح والتوجيه والتعليل لمسائل المستخرجة، ج ۲، ص ۲۴۵.

به سختی می‌افتند [باعث تنگ شدن جا برای دیگران می‌شود]، کراهت دارد؛ ولی در صورتی که از ملک خود شخص باشد، ساخت بنا، مجاز و غیرمکروه است.

قیروانی جواز، کراهت و حرمت ساخت بنا بر قبور را به سه قسم تقسیم کرده است: «أن البناء على القبور على ثلاثة أقسام: قسم لا يجوز وهو إذا قصد به المباهاة، وقسم مكروه وهو إذا لم يقصد به شيئاً، وقسم اختلف فيه وهو إذا قصد به التمييز بالكراهة والجواز»؛^۱ «... قسمی که جایز نیست، در صورتی که به نیت مباهات باشد؛ قسمی که کراهت دارد، در صورتی است که بدون قصد چیزی باشد؛ قسمی که در آن اختلاف است، در زمانی است که قصد از ساخت بنا برای تشخیص و تمییز باشد که در اینجا برخی گویند کراهت و برخی گویند جایز است.»

وی در ادامه، اقوال بزرگان دیگر را در خصوص فروع فقہی این مسئله، این‌گونه مطرح می‌کند: «وأما لو بنى بيتاً أو حائطاً حول القبر ليصونه فقال بعض البغداديين: ذلك جائز إلا أن يضيق على الناس في موضع مباح أو بنى في ملك رجل بغير إذنه»؛^۲ «برخی معتقدند اگر هدف از ساخت گنبد و بارگاه، نگهداری قبر باشد، ساخت بنا بر قبور جایز است، مگر اینکه موجب به سختی افتادن مردم شود یا اینکه در ملک غصبی بنا بسازد که در این صورت چون بدون اذن بوده است، جایز نیست.»

پس در بحث ساخت گنبد و بارگاه بر قبور، علمای مالکی دیدگاه‌های متفاوتی دارند. بسیاری از آن‌ها، از جمله مالک بن انس، ساخت بنا بر قبر را مکروه می‌دانند و گنج‌کاری، گل‌کاری، ساخت گنبد و قرار دادن سنگ‌ها بر روی قبرها را از مصادیق آن بیان کرده‌اند و برخی دیگر از علما نیز قائل به تفصیل در این باره شده‌اند.

مذهب شافعی

شافعی‌ها نیز قائل به کراهت بنای بر قبور، گنج‌بری و مسجد کردن آن هستند و بر اساس نظر آنان، بنای بر قبر در صورتی که در زمین ملکی خود باشد، جایز است، ولی کراهت دارد، اما اگر در زمین وقفی باشد و برای مردم ایجاد مزاحمت کند، حرام است و تخریب

۱. قیروانی، قاسم، شرح ابن ناجی التتوخی علی متن الرسالة لابن ابی زید القیروانی، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۶۱.

آن هم، از باب رفع مزاحمت برای مردم و تصرف موقوفه (درمقدار بیش از حد مجاز) لازم است.

شافعی در این باره می‌گوید: «وأحب ألاَّ يخصص، فإنَّ ذلك يشبه الزينة والخيلاء، وليس الموت موضع واحد منهما، ولم أر قبور المهاجرين والأنصار مخصصة»؛^۱ «دوست دارم که روی قبر گچ‌مالی نگردد؛ زیرا این عمل زینت کاری است و...» و در جای دیگر می‌آورد: «فإن كانت القبور في الأرض يملكها الموتى في حياتهم أو ورثتهم بعدهم، لم يهدم شيء أن يبنى منها، وإنما يهدم إن هدم، ما لا يملكه أحد، فهدمه لئلاَّ يحجر على الناس موضع القبر، فلا يُدفن فيه أحد، فيضيق ذلك بالناس»؛^۲ «اگر قبرها در زمینی باشد که مردگان در زمان حیاتشان یا وارثانشان بعد از آن‌ها مالک آن بوده‌اند، بنای ساخته‌شده، خراب نمی‌شود و آن چیزی که خراب می‌شود، ملکی است که هیچ‌کس مالک آن نیست، و خراب کردن آن به این علت است که آن قبر، مردم را محدود نکند و کسی در آن دفن نشود، چراکه این کار باعث ناراحتی مردم می‌شود.»

در توضیح عبارت فوق می‌توان گفت که هدم بناها تنها در صورتی است که آن‌ها قسمتی از زمین را که هیچ‌کس مالک آن نیست، به خود اختصاص داده باشند. یکی از اهداف این کار این است که جلوی مسدود شدن مکان قبر گرفته شود، تا شخص دیگری نتواند در آنجا دفن شود و این اقدام به‌منظور جلوگیری از تراکم غیرمطلوب در میان مردم صورت گیرد.

شافعی همچنین می‌نگارد:

وقد رأيت من الولاة من يهدم بمكة ما بيني فيها فلم أر الفقهاء يعيبون ذلك فإن كانت القبور في الأرض يملكها الموتى في حياتهم أو ورثتهم بعدهم لم يهدم شيء أن يبنى منها وإنما يهدم إن هدم ما لا يملكه أحد فهدمه لئلا يحجر على الناس موضع القبر فلا يدفن فيه أحد فيضيق ذلك بالناس؛^۳
فرماندaráنی را در مکه دیده‌ام که بناها و قبّه‌های موجود بر قبرها [در مقبره‌های

۱. شافعی، محمد، الأم، ج ۲، ص ۶۳۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۶۳۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۳۱۶.

عمومی] را تخریب می‌کردند و کسی از فقها بر آن‌ها عیب و ایرادی نمی‌گرفت. اما اگر این قبور و بناهای موجود بر آن‌ها در زمینی باشد که ملک شخصی اموات در هنگام حیاتشان یا ملک وارثان آن‌ها بعد از وفاتشان باشد، هیچ‌یک از این بناها و قبه‌هایی که بر قبرها بنا شده است تخریب نمی‌شود و اگر قرار باشد تخریب شود، فقط بناهایی تخریب می‌شود که در زمین‌هایی عمومی و وقفی باشد و ملک شخصی کسی نباشد و تخریب چنین بناهایی [در این زمین‌های عمومی] از این جهت است که با ساخت بناها و ساختمان [اضافه بر زمین مورد نیاز قبر] زمین لازم برای قبرها برای دیگران تنگ نشود و راه برای سایر مردم محدود نشود.

نووی نیز بنای بر قبور را مکروه می‌داند و به‌صورت مفصل این مسئله را چنین بیان می‌کند: «قال أصحابنا رحمهم الله: ولا فرق في البناء بين أن يبنى قبة أو بيتاً أو غيرهما، ثم ينظر فإن كان مقبرة مسبلة حرم عليه ذلك قال أصحابنا ويهدم هذا البناء بلا خلاف؛^۱ «اصحاب ما (شافعی‌ها) می‌گویند که در ساخت بر قبور بین گنبد ساختن یا خانه ساختن و غیر این دو، فرقی وجود ندارد، سپس نگاه می‌شود اگر ساختن بنا در مقبره مسبله (زمین وقفی برای دفن اموات) باشد، این حرام است و اصحاب ما گفته‌اند این بنا خراب می‌شود، بدون اینکه اختلافی داشته باشند.»

البته اصل اولیه در فقه شافعی، کراهت ساخت بنا بر قبور است و نووی شافعی نیز بر این مسئله تأکید دارد: «واتفقت نصوص الشافعي والأصحاب على كراهة بناء مسجد على القبر سواء كان الميت مشهوراً بالصلاح أو غيره»؛^۲ «نصوص شافعی و پیروان او توافق دارند که ساختن مسجد بر روی قبر مکروه است، چه متوفی به صلاح و نیکی مشهور باشد و چه نباشد.»

اما این کراهت در برخی موارد به‌دلیل شرایطی، مثلاً در صورت ترس از دزد و حیوانات درنده، برداشته شده است و بدون کراهت جایز است، حتی اگر در قبرستان عمومی و موقوفه برای عموم مردم باشد.

حضرمی شافعی در این باره می‌نویسد: «إن احتيج لبناء نحو قبة أو بيت، لخوف سارق

۱. نووی، محیی‌الدین، المجموع، ج ۵، ص ۲۶۰.

۲. همان، ص ۲۸۱.

أو سبع ولو بمسبلة... فلا كراهة، ولذا تصح الوصية بقبة له.»^۱ «اگر قبر به دلیل خوف از سارق و حیوانات درنده، نیاز به گنبد یا خانه‌ای داشت، هر چند این قبر در قبرستان عمومی باشد، در این صورت ساخت بنا، مکروه نیست، لذا در این صورت، وصیت (میت قبل از وفات) به ساخت گنبد نیز درست است.»

ابوالحسن محمد بن حبيب بصری بغدادی، مشهور به الماوردی، یکی از علمای شافعی مذهب، درباره موضوع بنای بر قبور، می‌گوید: «ساخت‌وساز بر قبور، مانند ساخت خانه‌ها و گنبدها، اگر در زمین دیگران باشد، جایز نیست، اما اگر زمین متعلق به خود فرد باشد، جایز است.»^۲

عبدالملک بن محمد جوینی، معروف به ابوالمعالی، در مسئله ساخت گنبد و بارگاه این‌گونه می‌نویسد: «فإن لم یکن فی مقبرة مشتركة، فلا بأس بالبناء.»^۳ «اگر در قبرستان مشترک نباشد، بنا ساختن اشکال ندارد.»

براین اساس طبق نظر علمای شافعی در ساخت گنبد و بارگاه، اصل اولیه در فقه شافعی این است که بنا بر قبور کراهت دارد و به دلیل ایجاد مزاحمت برای سایر مردم، بنای بر قبر در زمین وقفی، برای عموم مردم حرام است و در صورت بنا و ایجاد مزاحمت تخریب آن جایز است. چنانچه دلیل خاصی، مثل ترس از دزد یا حیوان درنده وجود داشته باشد، بنا بر قبور نه کراهت و نه حرمت دارد، بلکه جایز است.

مذهب حنفی

جمعی از علمای حنفی، حکم به کراهت بنای بر قبور داده‌اند. چراکه ابوحنیفه نیز چنین نظری دارد و آنان به تبعیت از ابوحنیفه، این حکم را صادر کرده‌اند. کاسانی حنفی می‌گوید: «كَرِهَ أَبُو حَنِيفَةَ الْبِنَاءَ عَلَى الْقَبْرِ»^۴ «ابوحنیفه بنای بر قبر را مکروه دانسته است» و به تبع دیدگاه فقهی ابوحنیفه، جمعی از علمای حنفی، حکم به کراهت بنای بر

۱. حضرمی شافعی، سعید، شرح المقدمة الحضرمية، ص ۴۷۳.

۲. ماوردی، ابوالحسن، الحاوي الكبير، ج ۳، ص ۲۷.

۳. ابوالمعالی جوینی، عبدالملک، نهاية المطلب في دراية المذهب، ج ۳، ص ۲۹.

۴. کاسانی، ابوبکر، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ۱، ص ۳۲۰؛ سمرقندی، محمد، تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۲۵۶.

قبر می دهند و می گویند: «بنای بر قبر، با گچ، آجر و چوب و نوشتن بر قبر مکروه است.»^۱ ابن عابدین بر این باور است که اگر بنا با نیت محکم کردن قبر ساخته شود، مکروه است.^۲ اما در بین علمای حنفی، بعضی ساخت گنبد و بارگاه اولیا را جایز و بلکه نیکو شمرده اند. ملا علی قاری در کتاب مرقاه المفاتیح که شرح مشکاة المصابیح است، چنین می گوید: «وقد أباح السلف البناء علی قبر المشایخ والعلماء المشهورین لیزورهم الناس ویستریحوا بالجلوس فیه»؛^۳ «سلف، بنای بر قبور مشایخ و علمای مشهور را مباح دانسته اند و این بنای قبور به این سبب است که مردم به زیارت صاحبان قبور بپردازند و با نشستن در کنار این بناها استراحت کنند.»

شهاب الدین خفاجی حنفی در ذیل آیه ۲۱ سوره کهف می گوید: «و کونه مسجداً یدل علی جواز البناء علی قبور الصلحاء ونحوهم»؛ «بودن آن مسجد، دلالت بر جواز بنای بر قبور صالحان و مثل آن ها می کند».^۴

ناصرالدین سمرقندی حنفی (م ۵۵۶ق) در کتاب معروف جامع الفتاوی می گوید: «قیل لا یکره البناء إذا کان المیت من المشایخ والعلماء والسادات.»؛ «گفته شده است که بنای بر قبر مُرده، زمانی که مُرده از مشایخ، علما و سادات باشد، مکروه نیست.»^۵ این در حالیست که سمرقندی بعد از بیان این مطلب، آن را رد نمی کند و علمایی، همچون ابن عابدین شامی^۶ و نابلسی^۷ نیز این مطلب را بیان می کنند و این قول را می پذیرند. ابن عابدین این مسئله را از برخی از احناف چنین نقل کرده است: «وقیل لا یکره البناء إذا کان المیت من المشایخ والعلماء والسادات، قلت لکن هذا فی غیر المقابر المسبلة كما لا یخفی.»؛^۸ «و گفته شده است که بنای بر قبر در صورتی که متوفی از مشایخ، علما و سادات

۱. رازی، محمد، تحفة الملوك، ص ۱۱۵.

۲. ابن عابدین، محمد امین، رد المختار علی الدر المختار، ج ۶، ص ۳۷۹.

۳. قاری، علی، مرقاة المفاتیح فی شرح مشکاة المصابیح، ج ۳، ص ۱۲۱۶.

۴. خفاجی حنفی، شهاب الدین احمد، عنایة القاضی و کفایة الراضی علی تفسیر البیضاوی، ج ۶، ص ۸۶.

۵. نابلسی، عبدالغنی، کشف النور عن اصحاب القبور، ص ۱۳.

۶. ابن عابدین، محمد امین، رد المختار علی الدر المختار، ج ۲، ص ۲۳۷.

۷. نابلسی، عبدالغنی، کشف النور عن اصحاب القبور، ص ۱۵.

۸. ابن عابدین، محمد امین، رد المختار علی الدر المختار، ج ۲، ص ۲۳۷.

باشد، مکروه نیست. گفتم که این مطلب در قبرستان‌های مسبله (زمین وقفی برای دفن اموات) صدق نمی‌کند، همان‌طور که آشکار است.»

همچنین حصکفی هم بنای بر قبر را جایز می‌داند.^۱

مظهري زیدانی (م ۷۲۷ ق) می‌گوید: «وقد أباح السلف رحمهم الله أن يبنى على قبور المشايخ والعلماء المشهورين ليزورهم الناس، ويستريح الناس بالجلوس في البناء الذي يكون على قبورهم»؛^۲ «سلف اجازه ساختن بنا بر قبور شیوخ و علمای مشهور را برای زیارت مردم دادند و همچنین برای اینکه مردم بتوانند با نشستن در ساختمان ساخته شده بر روی قبرها استراحت کنند.»

عبدالغنی نابلسی (م ۱۱۴۳ ق) بنای قبه بر قبر علما و اولیا را مصداق تعظیم شعایر

الهی می‌داند و معتقد است که این عمل بدعت حسنه است، وی می‌نویسد:

در حدیث وارد شده است که قبر یا باغی از باغ‌های بهشت است یا حفره‌ای از آتش و معنایی برای آن نیست، مگر اینکه ارواح مردگان یا در قبورشان صاحب نعمت هستند یا اینکه عذاب می‌شوند... به‌رحال بدون هیچ شبهه‌ای احیا و اموات در عدم تأثیر مساوی هستند و لکن احترام در حق آن‌ها (مؤمنین) واجب است خداوند تعالی می‌فرماید: «و کسی که شعایر خداوند را بزرگ بشمارد، چنین کاری نشانه تقوای دل‌هاست»^۳ و شعایر خداوند آن چیزهایی هست که شعور دارند؛ یعنی خدای تعالی آن را اعلام و آگاه می‌دارد، مثل علما و صالحین، چه زنده باشند یا مرده و از مصادیق بزرگداشت آن‌ها، بنای قبه بر قبور آن‌ها و ساختن تابوت بر آن‌ها از چوب ضخیم درخت است تا اینکه عامه مردم آن‌ها را کوچک نشمارند و اگرچه این عمل بدعت است، پس این عمل بدعت حسنه است.^۴

برخی دیگر از علمای احناف، همچون زرنندی (م ۷۵۰ ق) و ابن ضیاء (م ۸۵۴ ق) درباره قبور ائمه بقیع می‌گویند: «وقد بنيت عليها قبة عالية البناء قديمة»^۵ که بدین‌وسیله خبر از

۱. «ولا يرفع عليه بناء، وقيل لا بأس به وهو المختار» (حصکفی، علاء‌الدین، الدر المختار شرح تنوير الأنوار وجامع البحار، ص ۱۲۳).

۲. مظهري زیدانی، حسین، المفاتيح في شرح المصابيح، ج ۲، ص ۴۴۷.

۳. «وَمَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (سوره حج، آیه ۳۲).

۴. نابلسی، عبدالغنی، كشف النور عن اصحاب القبور، ص ۱۲.

۵. زرنندی حنفی، جمال‌الدین، نظم درر السمطين، ص ۲۰۴؛ ابن ضیاء حنفی، بهاء‌الدین ابوالبناء، تاريخ مكة المشرفة، ص ۲۵۶.

ساخت گنبد و بارگاه بر روی قبور ائمهٔ بقیع می‌دهند، درحالی‌که نسبت به این امر موضع منفی نگرفته‌اند و آن را رد نمی‌کنند.

اما در این بین برخی دیگر از علمای حنفی، حکم به حرمت ساختن گنبد و بارگاه و بنای بر قبر داده‌اند و مهم‌ترین دلیل آن‌ها بر حرمت، زینت ساختن بنا است و در این باره ابن‌عابدین بیان می‌کند: «حرام است اگر برای زینت ساخته شود، اما اگر برای محکم کردن بعد از دفن میت باشد، کراهت دارد.»^۱

طحطاوی (م ۱۲۳۱ق) نیز می‌گوید: «بنای بر قبور به دلیل زینت حرام است.»^۲

بنابراین در مسئلهٔ ساخت گنبد و بارگاه بر قبور، علمای حنفی دیدگاه‌های مختلفی دارند. برخی از آن‌ها، مانند ابوحنیفه، بنا بر قبر را مکروه می‌دانند، اما اگر قبر متعلق به مشایخ و علما باشد، می‌تواند جایز باشد. در عین حال، بعضی از علمای حنفی حرمت بنا کردن بر قبر را به هدف از ساخت (زینت) ارتباط می‌دهند. در نهایت، دیدگاه غالب علمای حنفی در رابطه با حکم ساخت گنبد و بارگاه کراهت بوده است و فقط دربارهٔ زینت، برخی از آنان حکم به حرمت داده‌اند.

مذهب حنبلی

حنابله نیز بنا بر قول معروف آنان، قائل به کراهت گنج‌کاری و ساخت بنا بر قبر می‌باشند و برخی از آنان نیز قائل به جواز بنای قبّه، خانه و... بر قبور هستند^۳ و برخی دیگر ساخت گنبدهای مجلل بر فراز قبر را مکروه بیان کرده‌اند.^۴

ابن‌قدامه در این باره می‌گوید: «ویرفع القبر عن الأرض قدر شبر مستمًا، ویرش علیه الماء و لا بأس بتطيينه، ویکره تجصیصه والبناء والكتابة علیه والجلوس والوطء علیه والاتكاء إليه»؛^۵ «قبر به اندازهٔ یک وجب از زمین بالاتر آورده شود و بر روی آن آب پاشیده

۱. ابن‌عابدین، محمد امین، رد المحتار علی الدر المختار، ج ۶، ص ۳۷۹.

۲. طحطاوی، احمد، حاشیة الطحطاوی علی مراقی الفلاح شرح نور الإيضاح، ج ۱، ص ۶۱۱.

۳. مرداوی، علاء‌الدین، الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف، ج ۲، ص ۵۴۹.

۴. همان، ص ۵۵۰.

۵. ابن‌قدامه، عبدالله، المقنع، ج ۱، ص ۲۸۵.

شود و اشکالی ندارد که آن را گِل مالی کنیم و گچ کاری، بنا و نوشتن بر آن و نشستن و پیا گذاشتن روی آن و تکیه دادن به آن مکروه است.»

مرداوی، فقیه حنابله، می گوید:

و اما گچ کاری قبر؛ بدون هیچ اختلافی مکروه است، بنا بر آنچه ما می دانیم و این چنین است، نوشتن، تزیین و ساختن قبر از جمله بدعت هاست. اما بنا بر قبور طبق قول صحیح در مذهب حنبلی مکروه است؛ اعم از اینکه بنا به زمین چسبیده باشد یا نباشد. در الفروع گفته شده است: «صاحب المستوعب، مجد بن تیمیه، ابن تمیم و دیگران بر این هستند که گنبد و خانه بر قبر که در ملک میت باشد، اشکالی ندارد.» صاحب الفروع در جای دیگر گفته است: «بنای مجلل مانند گنبد مکروه است.» همچنین در الفروع گفته است: «گویا بنا کردن اشکال ندارد» و از وی نقل شده است که از بنا کردن در ملک وقفی منع کرده است.^۱

ابن مفلح حنبلی (م ۷۶۳ق)، از جمله شاگردان ابن تیمیه در این باره می گوید: «ویکره البناء علیه (القبر) لا بأس بقبةٍ وبيتٍ وحصيرةٍ في ملكه، لأنَّ الدفن فيه مع كونه كذلك مأذون فيه...»^۲ «بنای بر قبر کراهت دارد و ساخت گنبد، خانه و حصیر در ملک او (میت) اشکالی ندارد؛ زیرا دفن در آن اگر چنین باشد، جایز است.»

این ها نظرات بزرگان اهل تسنن در این مسئله است که با وضوح و صراحت می گویند، بنای بر قبر به صورت مطلق حرام نیست و تنها در شرایط خاصی که بیان شد، حکم حرمت بر آن اطلاق کرده اند. در این صورت باید از وهابیت پرسید که چگونه در تخریب ابنیه اسلامی و زیارتگاه های مسلمانان، به مذاهب اسلامی تمسک می جویند؟ در حالی که ائمه و علمای بزرگ مذاهب اسلامی اهل سنت چنین سخنی بیان نکرده اند و خلاف آن را گفته اند.

۱. «أما التجصيص: فمكروه بلا خلاف نعلمه، وكذا الكتابة عليه، وكذا تزويقه، وتخليقه، ونحوه، وهو بدعة. أما البناء عليه: فمكروه على الصحيح من المذهب، سواء لاصق البناء الأرض أم لا، وعليه أكثر الأصحاب. قال في الفروع: أطلقه أحمد، والأصحاب. ثم قال: وقال صاحب المستوعب، المجد، وابن تميم، وغيرهم: لا بأس بقبة، وبيت، وحصيرة في ملكه، ثم قال في موضع آخر: وقال في الوسيلة: ويكره البناء الفاخر كالقبة. قال: في الفروع: وظاهره لا بأس ببناء، وعنه منع البناء في وقف عام.... وقال: قال في الفصول: القبة والحصيرة والتربة، إن كان في ملكه فعل ما شاء، وإن كان في مسيلة كره للتضييق بلا فائدة، ويكون استعمالاً للمسيلة فيما لم توضع له...» (مرداوی، علاء الدین، الإنصاف في معرفة الراجح من الخلاف، ج ۲، ص ۵۴۹).

۲. ابن مفلح حنبلی، شمس الدین، الفروع، ج ۲، ص ۳۸۰.

مذهب امامیه

علمای شیعه در نفی حرمت ساخت گنبد و بارگاه اتفاق نظر دارند و هرگونه ساختن گنبد و حجره بر قبر و گچ کاری و قرار دادن سنگ مرمر بر روی آن را بنا بر قول مشهور حمل بر کراهت کرده اند و هرگونه مسطح کردن قبر و آب پاشیدن بر آن را مستحب می دانند و بنای بر قبور را مطابق سیره مسلمانان می دانند.^۱ در ذیل به برخی از سخنان علما و فقهای شیعه در بحث ساخت گنبد و بارگاه اشاره شده است.

ابن جنید می گوید: «ولا أحب أن يفصص ولا يجصص، لأن ذلك زينة ولا بأس بالبناء عليه وضرب الفسطاط لصونها ومن يزورها»؛^۲ «و دوست ندارم که قبرها تزیین و گچ کاری شوند؛ زیرا این کار زینت دادن است. اما ساختن بنا بر روی قبر و برپا کردن سایبان برای حفظ قبر و راحتی کسانی که آن را زیارت می کنند، اشکالی ندارد.»

شیخ طوسی می نویسد: «تجصيص القبور والبناء عليه في المواضع المباحة مكروه إجماعاً»؛^۳ «گچ بری قبرها و بنای بر روی آن در مکان های مباح به اتفاق آرا مکروه است.» شهید اول نیز بیان می کند: «المشهور كراهة البناء على القبر، واتخاذ مسجداً، وكذا يكره القعود على القبر»؛^۴ «معروف است که بنای بر قبر و مسجد ساختن آن و بر قبر نشستن مکروه است.»

ابن ادریس حلی می گوید: «ویکره تجصيص القبور والتظليل عليها، والمقام عندها، وتجديدها بعد اندراسها»؛^۵ «گچ کاری قبور و گچ بری و سایه انداختن و اقامت در نزد آن و تجدید آن پس از نابودی، مکروه است.»

امام خمینی نیز در این باره می نگارد:

ومنها (المستحبات) رفع القبر عن الأرض بمقدار أربع أصابع مضمومة أو مفزجة، ومنها: تریب القبر، بمعنى تسطيحه وجعله ذا أربع زوايا قائمة، ويكره تسنيمه بل

۱. سبحانی، جعفر، صيانة الآثار، ص ۷۹-۸۰.

۲. حلی، حسن، مختلف الشیعة، ج ۲، ص ۳۱۵.

۳. طوسی، محمد، المبسوط في فقه الامامية، ج ۱، ص ۱۸۷.

۴. عاملی، محمد، ذکری الشیعة في أحكام الشريعة، ج ۱، ص ۴۱۸.

۵. ابن ادریس حلی، عبدالله، السرائر، ج ۱، ص ۳۰۴.

الأحوط تركه. وأما المكروهات فهي أيضاً أمور: ...ومنها: سدُّ القبر وتطيينه بغير ترابه، ومنها تجديد القبر بعد اندراسه، إلا قبور الأنبياء عليهم السلام والأوصياء عليهم السلام والصلحاء والعلماء؛^۱

...و از مستحبات این است که قبر را به اندازه چهار انگشت باز یا بسته از زمین بلند کنند و همچنین مربع کردن قبر، به این صورت که آن را مسطح کنند و دارای چهار زاویه قائمه قرار دهند و به صورت کوهان شتر (قوس دار) درآوردن قبر مکروه و بلکه احوط ترک آن است... اما مکروهات هم چند چیز است؛ و از آن جمله: بستن قبر و گل اندود کردن آن با خاکی غیر از خاک خودش و همچنین تجدید بنای قبر پس از نابودی آن، مگر قبور انبیا و اوصیای آنان و صلحا و علما.

سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، مؤلف کتاب عروة الوثقی، در ارتباط با یکی از موارد کراهت دفن می‌نویسد: «السادس: تجسیصه أو تطيينه لغير ضرورة، وإمكان الإحکام المندوب بدونہ، والقدر المتیقن من الکراهة إنما هو بالنسبة إلى باطن القبر لا ظاهره، وإن قيل بالإطلاق»؛^۲ «ششم: گچ کاری کردن قبر، یا گل کاری آن بدون ضرورت است، در صورتی که امکان محکم کردن قبر بدون آن باشد و قدر متیقن از کراهت، گچ کاری و گل کاری داخل قبر است نه بیرون آن، اگرچه بعضی مطلقاً قائل به کراهت شده‌اند.» ایشان در ادامه، تجدید قبور بعد از اندراس و ساختن بنا بر قبر، را از جمله مکروهات می‌شمارند، ولیکن قبور انبیا، اوصیا، صلحا و علما را از این حکم، استثناء می‌کنند.^۳ بنا بر مطالب بیان شده، امامیه اتفاق نظر دارد که ایجاد گنبد و بارگاه بر قبور انبیا و ائمه علیهم السلام، اولیا و بزرگان جایز است و احترام به قبور آنان، از مصادیق تعظیم شعائر الهی شمرده می‌شود.^۴

نتیجه گیری

به طور کلی ساخت گنبد و بارگاه بر قبور در اسلام، به عنوان یک فعالیت با ارزش و مهم،

۱. خمینی، روح الله، تحریر الوسیلة، ص ۱۰۳.

۲. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، ج ۲، ص ۱۲۸.

۳. «السابع: تجديد القبر بعد اندراسه إلا قبور الأنبياء والأوصياء والصلحاء والعلماء... التاسع: البناء عليه عدا قبور من ذکر، والظاهر عدم کراهة الدفن تحت البناء والسقف.» (طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، ج ۲، ص ۱۲۸).

۴. امین، سید محسن، کشف الإرتیاب، ص ۳۰۵-۳۰۶.

نه تنها ارتباط افراد با مکان مقدس را تقویت می کند بلکه نقش مهمی در ترویج ارزش ها و اصول اسلامی و افزایش انسجام اجتماعی دارد. این فعالیت ها به عنوان یک جزء از فرهنگ اسلامی، زیبایی و معنویت را در زندگی مسلمانان حفظ و ترویج می کند.

در این تحقیق تطبیقی نگاهی دقیق به دیدگاه های مختلف مذاهب اسلامی نسبت به ساخت گنبد و بارگاه بر قبور انجام شد. بر اساس بررسی ها، مشاهده می شود که مذاهب اربعه (مالکی، شافعی، حنفی و حنبلی) و مذهب امامیه دارای دیدگاه ها و اقدامات مشابهی نسبت به این مسئله هستند و اندک اختلافی دارند.

در مذاهب اربعه، نظراتی که نهایتاً ساختن گنبد و بارگاه در اطراف قبور را ممکن می سازند، از یکدیگر متفاوت هستند. مالکیه تأکید دارد که ساخت بنا بر قبر کراهت دارد، ولی ساخت بنا، مانند گنبد، در مالکی که در اختیار فرد است، مجاز است. در نزد شافعیه زینت دادن بناها که منجر به زینت بخشی به قبرها می شود، مکروه است. حنفیه درباره ساخت بناها و گنج کاری قبور دیدگاه متنوعی دارند، ولی بنا بر قبور بزرگان را مجاز دانسته اند. حنبلیه نیز در این زمینه نظرات متفاوتی دارند و بسته به شرایط مختلف، نظراتشان متغیر است.

امامیه نیز دیدگاهی همانند دیگر مذاهب اسلامی دارد و ساخت گنبد و بارگاه بر قبور را مکروه می داند، اما با یک تفاوت و آن اینکه ساخت گنبد و بارگاه بر قبور انبیا، اولیا و بزرگان را جایز و نیکو می داند. این دیدگاه به دلیل احترام به شخصیت های مذهبی و تعظیم شعائر الهی است.

در مجموع، این تحقیق به وضوح نشان می دهد که دیدگاه ها و اقدامات مذاهب اسلامی نسبت به ساخت گنبد و بارگاه بر قبور اشتراکات فراوانی دارد و اختلافات اندک آن در مسائل جزئی است و به نوع تفسیر آن ها از ساخت بنا بر قبور باز می گردد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ادريس حلی، عبدالله، السرائر، قم: منشورات دليل ما، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۳. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، تحفة النظار في غرائب الامصار وعجائب الاسفار (رحلة ابن بطوطة)، بی جا: دار الشرق العربي، بی نا.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم في تاريخ الامم والملوک، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمية، ۱۴۱۲ق.
۵. ابن ضیاء حنفی، بهاءالدين ابوالبقاء، تاريخ مكة المشرفة والمسجد الحرام والمدينة الشريفة والقبر الشريف، بیروت: دار الکتب العلمية، چاپ دوم، ۲۰۰۴م.
۶. ابن عابدين، محمدامين، رد المحتار على الدر المختار، بیروت: دار الفكر، چاپ دوم، ۱۴۱۲ق.
۷. ابن قدامه، عبدالله، المقنع في فقه امام السنة أحمد بن حنبل الشيباني، بی جا: المطبعة السلفية ومكتبتها، چاپ سوم، بی تا.
۸. ابن مفلح حنبلی، شمس الدين، الفروع، تحقیق: عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۴ق / ۲۰۰۳م.
۹. ابن ناجی تنوخی قیروانی، قاسم، شرح ابن ناجي التوخي على متن الرسالة لابن أبي زيد القيرواني، بیروت: دار الکتب العلمية، ۱۴۲۸ق / ۲۰۰۷م.
۱۰. ابوالمعالی جوینی، عبدالملک، نهاية المطلب في دراية المذهب، تحقیق: عبدالعظیم محمود الدیب، بیروت: دار المنهاج، ۱۴۲۸ق / ۲۰۰۷م.
۱۱. اصبحی، مالک، برواية سحنون التوخي، المدونة الكبرى، عربستان: طبعة قديمة لوزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد المملكة السعودية، بی تا.
۱۲. امین، محسن، كشف الإرتیاب عن اتباع محمد بن عبدالوهاب، بی جا، دار الکتب الاسلامی، بی تا.
۱۳. جمعی از نویسندگان، الموسوعة الفقهية الكويتية، كويت: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية الكويتية، چاپ دوم، ۱۹۸۳م.
۱۴. جوزی، جمال الدين ابوالفرج عبدالرحمن، المنتظم في تاريخ الأمم والملوک، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، مصطفى عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۲م.
۱۵. حصکفی حنفی، علاءالدين، الدر المختار شرح تنوير الأبصار وجامع البحار، تحقیق: عبدالمنعم خليل ابراهيم، بی جا: دار الکتب العلمية، ۱۴۲۳ق / ۲۰۰۲م.
۱۶. حضر می شافعی، سعید، شرح المقدمة الحضرمية المسمى بشرى الكريم بشرح مسائل التعليم،

- بيروت: دار المنهاج، ٢٠٠٤م.
١٧. حلى، حسن، **مختلف الشيعة**، تحقيق: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، بی تا.
١٨. خفاجى حنفى، شهاب الدين احمد، **عناية القاضي وكفاية الرازي على تفسير البيضاوي**، بيروت: دار صادر، بی تا.
١٩. خمينى، روح الله، **تحرير الوسيلة**، قم: مؤسسة تنظيم ونشر آثار الإمام الخميني، ١٤٢١ق.
٢٠. دمياطى، محمد شطا، **حاشية إعانة الطالبين على حل الفاظ فتح المعين لشرح قرّة العين بمهمات الدين**، بيروت: دار الفكر، بی تا.
٢١. رازى، محمد بن ابى بكر بن عبدالقادر، **تحفة الملوك**، تحقيق: عبدالله نذير احمد، بيروت: دار البشائر الإسلامية، ١٤١٧ق.
٢٢. زرندي حنفى، جمال الدين، **نظم درر السمطين**، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٢٥ق.
٢٣. سبحانى، جعفر، **صيانة الآثار الاسلامية**، قم: نشر مشعر، بی تا.
٢٤. سمرقندى، محمد بن احمد، **تحفة الفقهاء**، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ دوم، ١٤١٤ق / ١٩٩٤م.
٢٥. شافعى، محمد بن ادريس، **الأم**، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
٢٦. طباطبایى يزدى، سيد محمد كاظم، **العروة الوثقى**، قم: دفتر انتشارات اسلامى، چاپ اول، ١٤١٩ق.
٢٧. طحطاوى، احمد، **حاشية الطحطاوي على مراقي الفلاح شرح نور الإيضاح**، تحقيق: محمد عبد العزيز خالدى، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٩٩٧م.
٢٨. طوسى، ابوجعفر محمد، **المبسوط في فقه الإمامية**، بيروت: توزيع دار الكتاب الإسلامى، ١٩٩٢م.
٢٩. عاملى، محمد بن جمال الدين، **ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة**، قم: مركز العلوم والثقافة الإسلامية، ١٤٣٠ق / ٢٠٠٩م.
٣٠. قارى، على، **مرقاة المفاتيح في شرح مشكاة المصابيح**، بيروت: دارالفكر، چاپ اول، بی تا.
٣١. قرطبي، محمد، **البيان والتحصيل والشرح والتوجيه والتعليل لمسائل المستخرجة**، تحقيق: محمد حجي وآخرون، بيروت: دار الغرب الإسلامى، ١٤٠٨ق / ١٩٨٨م.
٣٢. كاسانى حنفى، ابوبكر، **بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع**، بی جا: بی نا، بی تا.
٣٣. ماوردى، ابوالحسن على، **الحاوي الكبير في فقه مذهب الإمام الشافعي وهو شرح مختصر المزني**، تحقيق: على محمد معوض، عادل احمد عبدالموجود، بيروت: دار الكتب

العلمية، ١٤١٩ق/١٩٩٩م.

٣٤. مرداوى حنبلى، علاءالدين ابى الحسن على، **الإنصاف في معرفة الراجح من الخلاف على مذهب الإمام المبجل أحمد بن حنبل**، تحقيق: محمد حامد فقي، عربستان: ملك سعود بن

عبد العزيز، ١٣٧٥ق/١٩٥٦م.

٣٥. مظهرى زيدانى، حسين، **المفاتيح في شرح المصابيح**، تحقيق: نورالدين طالب، كويت: دار

النوادر، ١٤٣٣ق/٢٠١٢م.

٣٦. النابلسى، عبدالغنى، **كشف النور عن أصحاب القبور**، استانبول: مكتبة الحقيقة، بى تا.

٣٧. نووى شافعى، محيى الدين ابوزكريا يحيى بن شرف، **المجموع**، بيروت: دار الفكر، بى تا.